

جمهوری اسلامی، جنگ و "امنیت منطقه"

در حال حاضر، استفاده عمده رهبران جمهوری اسلامی از ادامه جنگ با عراق، ترافیک بهانه برای گامهایی است که یکی پس از دیگری بسوی امپریالیسم بسرکردگی امریکا و ارتجاع منطقه برمی دارند.

به جز گسترش تماسهای حکومت ایران با رژیمهای ارتجاعی منطقه و بخصوص سفیر

بقیه در صفحه ۳

بدنبال يك وقفه چند هفته ای در عمل به شهرهای ایران، پیرانشهر صبح روز چهارشنبه ۵ اردیبهشت، متوسط هوا پیمای های رژیم جنایتکار عراق بمباران شد. بر اثر این بمباران ۱۷ تن کشته و ۳۴ نفر مجروح شدند. تجربیات گذشته نشان می دهد که مله به اهداف غیر نظامی، همواره مقدمه شدت گرفتن آتش جنگ در جبهه ها بوده است.

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

جمعه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۳ برابر با ۱۱ ارد ۱۹۸۴
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۶

درباره برخی نکات بودجه سال ۶۳

کشور حدود ۶۵۵۰ میلیارد ریال بودجه عمومی دولت ۴۰۸۰ میلیارد ریال برآورد شده است. ما در بررسی بودجه، ارقام ارائه شده از سوی دولت را مبنای قرار می دهیم.

بودجه سال ۶۳، چند و چون اقدامات

بقیه در صفحه ۴

در ۲۵ اسفند ماه ۶۲ مجلس شورای اسلامی قانون بودجه سال ۶۳ کشور را در یک ماده و هفتاد و هشت تبصره تصویب رسانده این قانون بر لایحه پیشنهادی دولت، که کمیسیون برنامه و بودجه مجلس با اصلاحات فرعی در آن به مجلس آورد استوار است. و در آن بودجه کلی

دشمنی حکومت با اول ماه مه

این سوئمن سالی بود که مقامات جمهوری اسلامی از تعطیل اعلام کردن روز کارگر سر باز می زدند. اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) سال

بقیه در صفحه ۶

امسال اول ماه مه، روز همبستگی کارگران جهان، در ایران در شرایطی برگزار شد که حکومت کارشکنی و توطئه علیه این عید کارگری را به اوج خود رسانده بود.

بمناسبت سالروز شهادت خسرو روزبه قهرمان ملی ایران "به مردانگی مرگ را کرد خوار"

بقیه در صفحه ۷

زنان میهنمان زیر بار قيود ارتجاعی نخواهند رفت

حقوقشان در جوامع استثمارگری لگدکوب شده، بلکه بند بند آن مجسم کننده جوامع عقب افتاده دوران بربریت می باشد که در آن برای زنان حتی حق حیات نیز قایل نبودند.

اخیرا آقای رفسنجانی ملاقاتی با شاخه

بقیه در صفحه ۵

حکام ۱۰۰ در مورد زنان و "نشرین در جامعه و تاریخ" سخن بسیار گفته اند و لسی تنها چیزی که از این افاضات کلام و لفاظیه ها نصیب زنان ماشده است، قوانین قرون وسطایی و ضد انسانی جمهوری اسلامی است. توانینی که در آن نه تنها عمره سالها مبارزه زنان برای کسب

روی بر تافتگان از "درسهای مردم"

در صفحه ۳

المیک ۸۴ بهانه ای دیگر برای کمونیسم ستیزی افسار گسیخته ریگان

در صفحه ۱۱

بمناسبت سالروز دویروزی تاریخی خلق ویتنام

خلق که امپریالیستهای آمریکایی و فرانسوی را بزانو درآورد

در صفحه ۹

بمناسبت سالگرد پیروزی تاریخی اتحاد شوروی بر فاشیسم هیتلری

بقیه در صفحه ۹

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند

پیرامون سفر اوزال به ایران

بقیه از صفحه اول

به سطح نازلی رسیده بود، گسترش وسیعی یافته و در ابعاد اقتصادی به چندین برابر زمان شاه حائن رسیده است.

اوزال در فرودگاه مهرآباد گفت:

"قبل از انقلاب ایران سالانه فقط ۲۰ میلیون دلار صادرات به ایران داشتیم و در سال ۱۹۸۳ این رقم به یک میلیارد و ۱۴۷ میلیون واردات افزایش یافته است. حجم مبادلات اقتصادی میان دو کشور در حال حاضر سه برابر شده و حجم تجارت میان دو کشور به بالاترین سطح خود رسیده است" (اطلاعات ۱۰ اردیبهشت)

همزمان با ۵۴ برابر شدن صادرات ترکیه (از زمان نخست وزیر ترکیه) به ایران، حجم صادرات پاکستان به ایران نیز افزایش چشمگیری یافته است. روزنامه داوون، چاپ کراچی می نویسد:

"اگر میزان داد و ستد ایران و پاکستان در سال جاری ایرانی از ۴۰۰ میلیون دلار خیلی بیشتر نشود، دلیلی را نباید در پی میلی ایران به خرید و فروش کالای بیشتری با پاکستان جستجو کرد؛ دلیل آن از ناتوانی پاکستان در افزایش صادراتش به ایران و وارداتش از آن کشور مایه می گیرد، نارساییهای شدید موجود در زیرساخت چنین تجارتی مانع از آن می شود که پاکستان سخن مقامهای ایرانی را که می گویند: "اگر می توانید، تمام نیازهای ما را تامین کنید"، جذب کند" (روزنامه داوون ۳۰ دسامبر ۸۳).

حکومت که برای هراقدام استقلال برپا داده خود دلیل عوامفریبانه ای در استین دارد، علت افزایش سرسام آور صادرات و کشور ترکیه و پاکستان به ایران را در "سالم سازی"، روابط طرفین می داند. بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین جمهوری اسلامی در مورد رابطه ایران و ترکیه می گوید:

"تا قبل از انقلاب اسلامی، روابط دو

ملت (۱) بطور ناسالم شکل گرفته (بود) حتی مسئولین و مردم (۱) ترکیه در ملاقات و مذاکراتی که در طول چند سال گذشته با مسئولین جمهوری اسلامی داشته اند از روابط مابین دو کشور در زمان رژیم گذشته ناراضی بودند" (صبح آزادگان هاردیبهشت). علت این گسترش روابط را که اکنون باعث بوجود آمدن احساس مخفونی ترکیه از روابط خود با رژیم شاه معدوم شده است باید در ایفا نقش دلالی ترکیه و پاکستان برای انحصارات بین المللی و امپریالیسم دانست و نه در "سالم سازی" روابط.

جمهوری اسلامی به موازات بازسازی

و گسترش مناسبات اقتصادی با کشورهای امپریالیستی، شماری از کالاهای مورد نیاز

اقتصاد و صنایع وابسته و بیمار را با بهایی بسیار گران از ترکیه و پاکستان خریداری می کند.

آقای موسوی نخست وزیر در سخنرانی خود در حضور نخست وزیر ترکیه در فرودگاه مهرآباد گفت:

"قبل از انقلاب اسلامی، ایران بیشتر مبادلات تجاری خود را با قدرتهای بسزرگ و کشورهای اروپایی و آمریکا انجام می داد، اکنون کشور همسایه، ترکیه، از شرکای عمده تجاری ایران است. ۱۰۰ این امر برای دملتی که جزو دو خانواده بزرگ اسلام هستند و امت اسلامی، بسیار مغتنم است." (اطلاعات ۱۰ اردیبهشت)

جمهوری اسلامی برای استتار سیاست استقلال شکن خود و توسعه روابط اقتصادی نابرابر خود با دولتهای دست نشانده امپریالیسم، ملتهای ترکیه و پاکستان را وثیقه قرار می دهد و با علم کردن معیار "اسلامی" سعی در سرپوشی مضمون روابط نابرابر خود، با رژیمهای نامعز استخوان وابسته به امپریالیسم دارد و ترکیه عضو ناتو و پاکستان وابسته به امپریالیسم را اکنون کشورهای دوست و برادر خطاب میکند.

آمریکا در ترکیه ۶۰ پایگاه نظامی دارد و مشغول مذاکره برای تأسیس پایگاههای جدید در این کشور می باشد. سه پایگاه از این شمار دارای اهمیت خاصی هستند. پایگاه "سینوپ" در شمال و "پرنلینگ" در شرق ترکیه (نزدیک شهر دیاربکر) بطور عمده به کار جاسوسی می پردازند و به دستگاههای بسیار مدرن الکترونیکی مجهز هستند. امپریالیسم آمریکا و ناتو از این پایگاهها کلیه پروازهای منطقه را کنترل می کنند. پایگاه انجیرلیک که در جنوب ترکیه نزدیک شهر ادانا قرار دارد یک پایگاه بزرگ نیروی هوایی است و برپایه قرارداد نظامی مارس ۱۹۸۰ میان ترکیه و آمریکا، تنها پرسنل آمریکا حق کنترل هواپیماهای ایالات متحده را دارد. این پایگاه برای بمباران خانه و کاشانه مردم رنج دیده لبنان مورد استفاده آمریکا قرار می گیرد.

دولت تورگوت اوزال (میهن جمهوری اسلامی) از اولین روزیکه سر کار آمده است، چوب حراج به کار خنجات و موسسات دولتی زده است و حتی پل بغاز را که تنها راه ارتباطی بین بخش آسیایی و اروپایی ترکیه است (از تمامی وسائط نقلیه حق عبور دریافت میشود) و جز ثروت ملی ترکیه محسوب میشود به مزایده سرمایه داران بزرگ و انحصارات بین المللی گذاشته است.

رژیم دیکتاتوری ضیاء الحق بیش از پیش نقش ژاندارمی منطقه را برای تامین منافس

امپریالیسم جهانی و سرکوب جنبشهای رهایی بخش ایفا میکند. آمریکا قرارداد نظامی - اقتصادی به مبلغ ۳ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار با پاکستان منعقد کرده است. اعتباری که رژیم پاکستان از صندوق بین المللی پول به مبلغ ۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیون میگیرد، بزرگترین مبلغی است که تاکنون این اتحادیه انحصارات بین المللی به کشورهای عضو خود بوده است.

اکنون کارگزاری موشکهای هستهای پرشینگ در پاکستان از سوی آمریکا مطرح میگردد. همچنین پاکستان مرکز تجمع اصلی ضد انقلابیون فراری از افغانستان (بی-ش از ۷۰ اردوگاه) میباشد و رژیم حاکم بر آن تمام قدرت از برقراری صلح و آرامش در افغانستان ضد امپریالیست و مردمی و منطقه جلوگیری میکند.

ماهیت ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیمهای ترکیه و پاکستان مه توای روابط گسترده اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی را با ایند و کشور وابسته به امپریالیسم را فاش میسازد.

تورگوت اوزال در سفر خود به ایران آشکار ساخت که در این سفر (برخلاف ادعای مسئولین ج ۱۰) فقط مسائل اقتصادی مطرح نمیگردد:

"البته منظور از این دیدار فقط گسترش روابط اقتصادی نیست بلکه قوی تر کردن همبستگی ملتهایمان (بخوان دولتهایمان) با یکدیگر است. در این دیدار علاوه بر روابط دو جانبه مسائل منطقه ای مورد علاقه دو کشور نیز مطرح خواهد شد." (اطلاعات ۱۰ اردیبهشت) آقای رفسنجانی قبلاً در دیدار با وزیر امور خارجه ترکیه مسائل منطقه ای که جمهوری اسلامی مایلست با برادران ناتویی مطرح کند اعلام کرده بود:

"اگر این مساله (مساله عراق) حل نشود در افغانستان هم مشکلات قابل حل نیست. اگر این دو مشکل حل شود کشورهای عربی و شمال و پاکستان میتوانیم همکاریهای سازندهتری را برای منطقه داشته باشیم. همچنین حسن دیگر اینست که اگر یک حکومت اسلامی در عراق بوجود بیاید خرکمونیم از منطقه دور خواهد شد." (روزنامه جمهوری اسلامی ۲۰ اسفند) رئیس مجلس شورای اسلامی با مرتبط کردن "مسئله افغانستان" و "مسئله صدام" کوشید به ارتجاع منطقه (از جمله کشورهای ترکیه پاکستان) و غرب تفهیم کند که "مقبود واقعی ضدیت رهبران جمهوری، اسلامی با صدام و قصد آنها در دشمنی با دولت مردمی افغانستان هر دو یکی است و آنها به یک دلیل و بنفسی منطقه خواهان حل هر دو مسئله هستند."

راستگرایان حاکم به اصطلاح مسئله افغانستان، این حلقه خونین مودت میان خود و ارتجاع منطقه و غرب را به عنوان قطب نمای تشخیص مقاصد خود به آنان نشان میدهند و برای جلب حمایت غرب هر چه بیشتر تأکید میورزند. (سر مقاله کار شماره ۳)

روی برافتگان از "درسهای مردم"

مرحله اول انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی پایان یافت و نتایج آرا بدست آمده ناآیدهای از هفتخوان گذشته و به هفت آب شسته حکومت اعلام شد.

احزاب و سازمانهای انقلابی مردم را فراخوانده بودند تا در انتخابات مخالفت خود را با راهی که حکومت در پیش گرفته است، اعلام کنند. البته انتظار نمی رود که ابعاد این مخالفت در آمار و ارقام دستکاری شده، همانگونه که هست انعکاس یابد. اما وسعت و شتاب رویگردانی مردم از حکومت ۱۰۰٪ آنچنان است که حتی در "نتایج" اعلام شده انتخابات نیز مشهود می باشد.

بررسی آمارهای ساده آرای اعلام شده نشان می دهد که مردم زنجشک میهنان در این انتخابات کلیشه ای حکومت نیز نشان دادند که حرفهای زیادی برای گفتن دارند. حکایت لیستهای ۳۰ نفره تهران از این شماراست.

رئیس جمهوری وود بیرکل حزب جمهوری اسلامی قبل از انتخابات در خطبه نماز جمعه خطاب به مردم گفت:

"در تهران سی نفر را در ورقه ها بنویسید... مبادا آراکم باشد، مبادا به ده یا پانزده نفر دستی بیست نفر در تهران اکتفا کنید. جستجو کنید که از افراد خبیر، از افراد بصیر، از افراد امین که حرف آنها برای تان اطمینان آور است، آنها را می شناسید، از طرفشان اعتماد و اطمینان پیدای کنید از اینها سوال کنید (به) سی نفر در تهران رای دهید تا با آرا زیاد بالا نمایندگان شما به مجلس راه پیدا کنند."

(جمهوری اسلامی ۲۵ فروردین)

بررسی ساده آماری نشان می دهد که از ۲۳۰۸۶۷۰ رای اعلام شده فقط ۲۴۲۲۷۵ رای بنام محمد حسن اصغر نیاست که فقط در لیست ۳۰ نفره حزب جمهوری اسلامی بود، یعنی تازه براساس همین آرا اعلام شده فقط ۱۰/۵ درصد شرکت کنندگان در انتخابات توصیه د بیرکل حزب جمهوری اسلامی را و نیزه گوش کرده اند و به سی نفر "خبیر و بصیر و امین" حزب جمهوری اسلامی رای داده اند و قریب ۹۰٪ شرکت کنندگان گفته اند، "ح.ج. ۱۰۰٪ طرف اعتقاد و اطمینان" آنها نیست از سوی دیگر ۱۸/۱ درصد از شرکت کنندگان به هیچیک از نامزدان اعلام شده از طرف حکومت روی برافشته از خلق منجمله به رفسنجانی که در همه لیستهای نهاد های قدرت بوده است رای نداده اند.

مردم در چارچوب همین انتخابات کلیشه ای - با تمام تقلباتی که صورت گرفته است - نفرت خود را از چهره های شناخته شده مدافعیین غارتگری لجام گسیخته کلان سرمایه داری و بزرگ مالکان نشان دادند. سید تقی خاموشی رئیس

بقیه در صفحه ۶

جمهوری اسلامی، جنگ و "امنیت منطقه"

بقیه از صفحه اول

"تورگوت اوزال"، نخست وزیر ترکیه - تهران، تدارک عملیات جدید نظامی در خاک عراق نیز در جریان است. روزنامه کیهان ۲۹ فروردین بار دیگر خبر داد:

"دبئی اعزام سه هزار تن از نیروهای رزمده طرح لیک یا خمینی از پادگان امام حسین به جبهه های جنگ ظهر دیروز تعداد کثیری از رزمندگان آموزش دیده و تازه نفس اسلام طی مراسم خاصی از لانه سابق جاسوسی آمریکا عازم جبهه شدند..."

خامنه ای رئیس جمهور در مراسم رژه به مناسبت "روز ارتش" وعده داد: "ما با کمک رزمندگان خود رژیم پوشالی سیمتکی به مردم عراق را سرنگون خواهیم کرد. یک شکست نظامی سهمگین برای عراق ادامه حیات از او را سلب خواهد کرد." (کیهان ۳۰ فروردین)

در روزهای اخیر، عنصر جدیدی در تبلیغات حکومت ایران پیرامون جنگ و مسایل منطقه وارد شده است. رهبران جمهوری اسلامی ادعای کنند که غرب یک "چرخش سیاسی" انجام داده است که می تواند یک "عقب نشینی" به سود ایران تلقی شود.

این مساله حتی در تیر سرفاله روزنامه - جمهوری اسلامی ۲۳ فروردین انعکاس یافت.

در این مقاله ضمن اشاره به این سخن جورج بوش معاون رئیس جمهور آمریکا که گویا گفته است "نباید کشورهای تندرو سرنوشت کشورهای میانه روی عرب را تعیین کنند"، آمده است: "شاید چنین بنظر آید که اظهارات بوش، ادامه همان شگرد همیشگی غرب برای وادار کردن ارتجاع عرب به حمایت بیشتر از رژیم بغداد است. اما شواهد و قرائن بخوبی نشان می دهند که این مساله منظور اصلی بوش نبوده است." (جمهوری اسلامی ۲۳ فروردین)

سرفاله نویسنده روزنامه حزب حاکم ادامه می دهد:

"منطقه اکنون آستان حوادث بسیاری است و غرب نیز برای پذیرش واقعیتها، عناد کمتری از خود نشان می دهد. اظهارات نخستین جری بوش، با این نقطه نظری تواند تعبیر تازه ای پیدا کند و آن اینکه واشنگتن از عراق، قطع امید کرده و اصرار می ورزد که عواقب سقوط صدام بایستی به مرزهای جغرافیایی عراق محدود شود و این پدیده نبایستی بر روی سرنوشت کشورهای مرتجع، نقش تعیین کننده ای داشته باشد. این یک عقب نشینی برای واشنگتن و غرب محسوب می شود که ناچارند به موضوع منطقه، بدون بحث عراق بیندیشند و صراحتاً اعلام می دارند که حساب

عراق باید از حساب دیگران جدا شود... (همانجا)

رهبران جمهوری اسلامی در پاسخ به ندای معاون رئیس جمهور آمریکا، سعی کردند به واشنگتن بقبولانند که با کشورهای عربی "میانرو" کاری ندارند. رفسنجانی در نماز جمعه ۷ اردیبهشت گفت:

"سیاست صدام این است که ما را جویو، کند که پای کشورهای دیگر را به جنگ بکشاند. می خواهد کشورهای جنوب خلیج را بترساند. البته ما به آنان امنیت داده ایم و آنان می دانند و اگر نمی دانند، بدانند ایران چنان خطری نیست که بخواهد منطقه را نام کند... همین برادران ترک که در نماز جمعه هستند، اینها مگر همسایه ما نیستند؟ چطور اینها با این امنیت همسایگی با ایران می توانند رابطه داشته باشند در عین اینکه عضو ناتو هم هست..." (اطلاعات هشتم اردیبهشت)

بدین ترتیب آقای رفسنجانی به غرب و ارتجاع منطقه پیام می دهد که نگرانی

جمهوری اسلامی در قبال صدام بانگانیهای غرب در رابطه با "امنیت منطقه" منطبق است. خامنه ای رئیس جمهور نیز بصورتی دیگر این حرف را تکرار کرده بود:

"منطقه با وجود رژیم جنگ افروز عراق ممکن نیست روی آرامش و صلح را بخود ببیند. آنسانی که از جنگ تحمیلی بر ملت ایران احساس ناآرامی می کنند و خود را مورد تهاجم تصویری کنند تنها رهبران اینست که به بقای صدام کمک نکنند." (کیهان ۳۰ فروردین)

سران حکومت مدعیند تلاشهای آنها برای جلب اعتماد غرب، بخاطر این است که بتوانند غرب و متحدین آن در منطقه را به حمایت از جمهوری اسلامی در مقابل صدام ترغیب کنند و یا اقل آنها را "بیطرف" نگه دارند. رهبران جمهوری اسلامی می گویند غرب بسود آنها "عقب نشینی" کرده است، اما آنها رابطه ها را واژگون جلوه می دهند.

اولا ادامه جنگ بمنظور توجیه نزدیکی به امپریالیسم انجام می گیرد و نه برعکس، ثانیا این غرب نیست که "عقب نشینی" کرده، این جمهوری اسلامی است که یک "چرخش سیاسی" بسوی غرب را از سرگزرانده است. غرب نیز بهمان میزان که حکومت ایران به خواسته های آن تکین کند، بیشتر به جمهوری اسلامی روی خوش نشان می دهد، و این امر هیچ ربطی به "برتری نظامی" ایران در جنگ ندارد. "امنیت منطقه" در این میان فصل مشترکی است که جمهوری اسلامی امید و اراست با ابراز "وفاداری" به آن بتواند سیاست "ساداتی کردن" جنگ را به پیش ببرد.

درباره برخی نکات بودجه سال ۶۳

بقیه از صفحه اول

اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی را، که کلیات آن در برنامه پنجساله اول پیش‌بینی شده است، نشان می‌دهد. از مجموع درآمد پیش‌بینی شده دولت در قانون بودجه ۶۳، ۸۷۰ میلیارد ریال از محل مالیات بر درآمد منظور شده است که بیست و دو درصد درآمد دولت را تشکیل می‌دهد و این پس از نفت، مهمترین منبع درآمد دولت است. سهم مالیات سال جاری در بودجه کاملاً بیسابقه است. بحث سر سران است که دولت این مبلغ عظیم را از چه طریق وصول میکند؟

در سال ۶۰ حقوق بگیران با احتساب مالیات پرداختی شرکت‌های دولتی ۳ برابر بخش خصوصی مالیات داده‌اند. در سال ۱۳۶۲ نیز مالیات بر حقوق مستخدمین دولت ۱۸/۷۵ درصد کل مالیات دولت و مالیات بر درآمد بخش خصوصی فقط ۶/۴۴ درصد کل مالیات دولت بوده است. یعنی در سال گذشته حقوق بگیران بدون احتساب مالیات بر درآمد شرکت‌های دولتی ۳ برابر بخش خصوصی مالیات داده‌اند. همان‌طور که دیده می‌شود تنها در فاصله یکسال باز هم سهم مالیات حقوق بگیران در مالیات مستقیم و کل مالیات، بنسبت سرمایه داران افزایش یافته است.

در فاصله سالهای ۶۰-۶۲ مالیات بر درآمد بخش خصوصی از ۱۰ درصد کل مالیات به ۶/۴۴ درصد آن کاهش یافته است. از آنجا که در همین فاصله زمانی، مبلغ کل مالیات نیز افزایش قابل توجه یافته روشن می‌شود که دولت هم درصد و هم مبلغ مالیات مردم را بالا برده است. برنامه اول جمهوری اسلامی رشد متوسط مالیات غیر مستقیم را ۱۶/۲ درصد پیش‌بینی کرده است. اما فقط در فاصله سال ۶۲ این رشد به ۶۴ درصد افزایش یافت. به گفته بانگی درآمد مالیات ۱۰ ماهه سال ۶۲، ۶۴۸ میلیارد ریال نده است. در حالی که در مدت مشابه در سال ۶۱ این مبلغ ۳۹۷ میلیارد ریال بود.

این افزایش به دلیل افزایش مالیات بر درآمد صاحبان سیم و زر نیست تلاش دولت در این جهت است که بدون "ظلم" به غارتگران (به قول خودشان) مالیات‌ها را افزایش دهند. رهودادهای سال ۶۲ نشان می‌دهند که حکومت این مشکل خود را حل کرده است. بنابه اظهارات ۱۰ دی ماه ۶۲ معاون وزارت اقتصاد و دارائی سران رژیم تعیین میزان مالیات بر درآمد

"تجار محترم" بازار را به عهده خود آنها گذاشته‌اند. علاوه بر آن آقای نمازی لایحه مالیاتی جدید را به دولت ارائه داده است، که قرار است بر اساس آن کسانی که در رشته صنعت، کشاورزی، مسکن و صادرات سرمایه خود را فعال کنند، از معافیت مالیاتی برخوردار شوند.

در لایحه بودجه سال ۶۳، درآمد دولت ۲۰۵۱ میلیارد ریال پیش‌بینی شده است. یعنی درآمد نفت حدود ۵۰ درصد بودجه را تشکیل می‌دهد. کماکان نفت بعنوان منبع اصلی درآمد دولت و تنزیلاً یگانه منبع تأمین ارز مورد نیاز حکومت باقی است. برنامه ریزان و سران حکومت پیرامون ضرورت کاهش نرخ نفت در اقتصاد ایران سخن زیاد گفته و می‌گویند. آمار و ارقام نشان می‌دهند که آنها نه تنها قدمی در این راه برنمی‌دارند بلکه تکیه بر درآمد ارزی بر نفت و اتکاء اقتصاد کشور به آنرا تشدید کرده‌اند. در برنامه اول پیش‌بینی شده است که درآمد نفت و گاز (که صد و آن مدت‌هاست متوقف شده است) از ۱۹۹۶ میلیارد ریال در سال ۶۲ به ۲۰۵۱ میلیارد ریال در سال ۶۳ افزایش یابد و در همان سطح باقی بماند. این درآمد در سال شصت ۸۴۵ میلیارد ریال بود. در گذشته صادرات کالاهای غیر نفتی

سهمی در درآمد های دولت داشتند. امروز این منبع تحصیل ارز قطع شده است. حکومت نه تنها حرف می‌زند. در عمل همه آمار و ارقام و واقعیت‌ها نشان می‌دهند که هر چه مردم و بحران اقتصادی شدت داده دارد. دولت تلاش می‌کند تا آنجا که مناقشات ایران و عراق و نیز سیاست انحصارات بین المللی نفت بگذراند فروش نفت را حتی از طریق پائین آوردن قیمت آن، افزایش دهد. به همین دلیل انتظار میرود در طول سال جاری و سالهای بعد سهم نفت در کل صادرات ایران بالاتر برود. و همچنین انتظار میرود که در طول سال ۶۳ سیاست معاضه نفت با کالا و سلاح امپریالیستی همچنان ادامه یابد.

در لایحه بودجه سال ۶۳، فصولی با نام "درآمد اختصاصی" و "سایر درآمدها" بعنوان منبع درآمد دولت آمده است. مذاکرات مجلس در مورد بودجه ۶۳ (کیهان ۱۵ و ۱۶ اسفند) آشکار ساخت که ارزیابی بودجه نویسان از درآمدی که تحصیل میشود در این قسمت هم نادرست بود و اختلاف فاحش دارد. این اختلاف در بودجه سال ۶۲، بر

چند صد میلیارد ریال بالغ شده است. از اینرو سرنوشت بودجه سال ۶۳، با درآمد ناشی از نفت و مالیات و نیز استقراض از سیستم بانکی مربوط میشود، تا این منابع یعنی درآمد اختصاصی و "سایر درآمدها" اکنون باید به این پرسش پاسخ داد که درآمد های دولت به چه مصرفی میرسد؟ و هزینه دولت کدام است؟ قبل از همه باید از جنگ ایران و عراق نام برد. مخارج روزانه جنگ برابر برخی آمار ۳/۱۰۰ میلیارد ریال است. هزینه این جنگ سالانه بالغ بر ۱۴۰ میلیارد ریال میشود.

از این فاجعه جبران ناپذیر ملی، انحصارات نظامی و قاچاقچیان بین المللی اسلحه با فروش دهها میلیارد تومان اسلحه و امپریالیسم جهانی با تحکیم مواضع خود در منطقه و ایران، سود می‌برند. از این جنگ، سرمایه داران و مالکان بزرگ که مواضع خود را در اقتصاد و در اداره سیاسی جامعه تحکیم و تثبیت میکنند، بهره می‌برند. سود این جنگ به جیب غارتگران و دود آن به چشم مردم زحمتکش ایران میرود. هزینه نظامی دولت از ۱۸/۵ درصد بودجه در سال ۵۸ به بیش از ۳۰ درصد بودجه افزایش یافته است.

عرصه دیگری که دولت درآمد کسب می‌کند را هزینه میکند، واردات است. کالاهای وارداتی دولت کالاهای مصرفی و واسطه ای و باصطلاح سرمایه ای است. دولت سالانه حدود ۱۷۲۵ میلیارد ریال (۲۳ میلیارد دلار) بابت کالاهای وارداتی پرداخت میکند. از این مقدار ۶ میلیارد

پیرامون سفر اوزال به ایران

بقیه از صفحه ۲

جمهوری اسلامی با گسترش روابط اقتصادی-سیاسی با امپریالیستها و احیاء و بازسازی پیمانهای متلاشی شده، در جستجوی اشکال جدید همکاری با غرب و رژیمهای ارتجاعی منطقه میباشد.

بوجود آوردن "همکاریهای سازنده" با ترکیه، پاکستان و ارتجاع عرب برای مقابله با "خطر کمونیسم" که اکنون توسط هیئت حاکمه تبلیغ میشود، جمهوری اسلامی را به شرکت فعالتر در هماهنگی با مقاصد استراتژیک تجاوز کارانه امپریالیسم علیه مردم رنجده میهنان و علیه کشورهای سوسیالیستی و جنبش های آزادیبخش ملی منطقه فرا میخواند. مردم زحمتکش میهنان و احزاب و سازمانهای انقلابی وفادار به آماجهای آنان، این جهتگیری ضد انقلابی را نمی‌پذیرند و با تمام نیرو آنرا فاش میکنند. باید توطئه های آمریکا و حکومت علیه استقلال میهن و آزادی مردم خشن گردد.

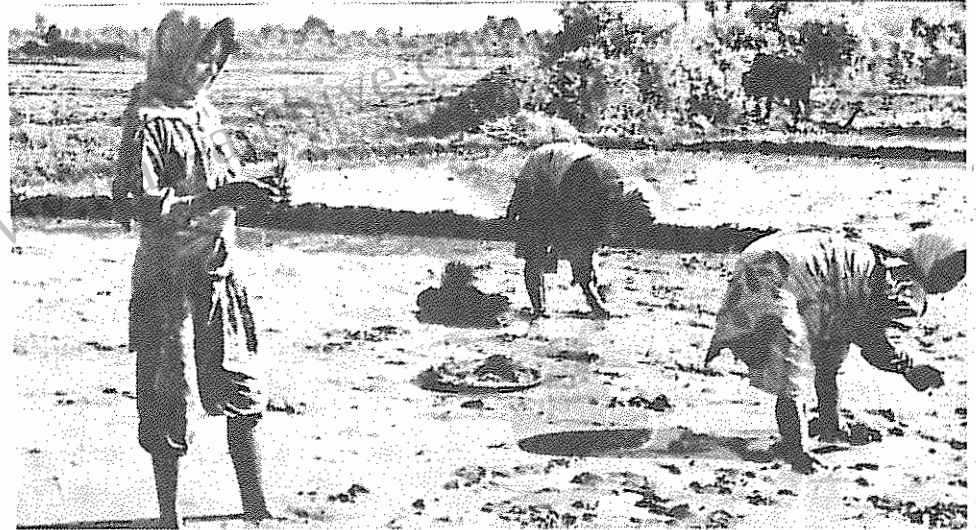
استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی

زنان میهنمان زیر بار قیود ارتجاعی نخواهند رفت

کدام زنجیری باشد که پای زن را بهنجارهای اشیخانیه ببندد. ۱۰ از لایحه نیمه وقت کردن کار زنان گرفته تا تعطیل کردن مهدکودکها و کودکانها - دستمزد کم در برابر شرایط کار مساوی با مردان - قانون ارث - لایحه قصاص، لایحه طلاق - قانون کار، از جمله قوانین و مقرراتی هستند با اندیشه های نرون گذشته تهیه و تنظیم شده اند.

بیسواد نگ داشتن زنان ابزار مرتجعین برای جلوگیری از فعالیتهای اجتماعی و اشتغال و کسب مهارت زنان است. طبق آمار مرکز سازمان برنامه ۷۸ درصد زنان شاغل بیسوادند که از این رقم، سهمیه زنان بیسواد ۵۰ درصد است. تنها ۵ درصد از زنان شاغل دوره دانشگاهی را گذرانده اند. در سالی که نسبت بیسوادی میان مردان ۷۰-۶۰ درصد است. این رقم در میان زنان به ۹۰-۸۵ درصد می رسد. در میان زنان روستا، وضعیت

خواهران "حزب ۱۰۰ داشت. در این دیدار رفسنجانی پس از تناقض گوییهای فراوان که در مورد "میدان کارخانها" و حقوق زنان در جامعه اسلامی می گوید، بالاخره دم خروس را آشکار ساخته و معلوم می کند که: "صحیح ترین میدان برای شرکت زنان در مسایل اجتماعی میدان تربیت و تعلیم است". و بدنبال آن ادامه می دهد: "نباید بگذاریم که خانها در خانه - اساس بطلان بکنند. بلکه بهتر است خانها در خانه و یاد در جامعه در اوقات بیداری از استعداد های خود به نفع پیشبرد جامعه استفاده کنند." (اطلاعات ۱۶ اردیبهشت ۶۲) رفسنجانی در ادامه صحبت هایش از "استقلال کاملی" که ج ۱۰۰ "به زن بخشیده و مانع از تحمیل مرد ها به زن ها شده است" صحبت می کند و در کعبه مانده خود را از برابری زن و مرد نشان می دهد: "اسلام تعهد زن را از



اسفناکتر از این است، زیرا کار آنها حتی "شغل" بحساب نمی آید. بخش بزرگی از کارهای کشاورزی و دامداری به عهده زنان است. اکثر زنان در روستاها در زیر زمینهای تاریک و نمور قالیبافی می کنند. طبق آمار سازمان برنامه بودجه ۹۹ درصد قالیبافان و ۸۹ درصد کارگران کارگاههای کوچک نساجی در روستاها، زنان و دختران ۲۹-۱۰ ساله هستند. آنان به طرز جدی تباری عقب نگه داشته شده اند، زندگیشان سراسرنج و سختی است. دنیا برای این زنان، در زدن محدود و پوزععت و مشقت بارشان خلاصه شده است، چرا که بارنج خو گرفته و دنیا بی رنج را نمی شناسد.

زنان کارگرمای کتلف در زیر چرخ دنده های سرمایه ریز می شوند و از طرفی با چشمانی نگران و با قلبی پر از درد در زنجیر این قوانین ارتجاعی به آینده تاریک خود می نگرند.

لحاظ مادی زن زندگی برداشته و مرد مسئول مسکن و لباس و مخارج دیگر خانواده کرده است. ۱۰۰ کارهای شاق مثل جبهه بر زنان واجب نیست. ۱۰۰ مدیریت خانه و مسایل مالی و کارهای مشکل خانه با مرد است. ۱۰۰ (همانجا)

این سخنان برای زنان زحمتکش میهن ما تازی ندارد. آنها می دانند که این استثمارگران، قشرون و مرتجعین هستند که می خواهند با دورنگ داشتن از فعالیتهای اجتماعی و جلوگیری از رشد آگاهی زنان، مانع شرکت فعال آنان در سازندگی و کسب شخصیت اجتماعی گردیده و با زنجیرهای قوانین ضد بشری، زندگی کنیزکهای چهارده قرن پیش را بر آنان تحمیل کنند.

با این استدلالها تعجب آور نیست قوانینی که در ج ۱۰۰ تصویب شده است هر

انان حتی دستمزد کاری را که به انداز کارگران مردانجام می دهند، نیز نمی گیرند. حقوق ندارند برای کسب خواسته های خود با دیگر زنان کارگر سندینا و تشکل ایجاد کنند. بیم و نگرانی از شورش کودکا نشان، حوادثی که در انتظار آنهاست، اعصاب آنها را می پوساند و رنج می دهد، اخراج، توهین و زدن در انتظار زنانی است که حق خود را می خواهند و به خواسته های تحمیلی غداران تن در نمی دهند. ۱۰۰ و زیر بار این تضییقات و فشارها است که زنان مادر جمهوری اسلامی فقط پتکی را بالای سر خود دیده اند که با تعقیب بحران جامعه و عجز هیات حاکمه در قبال آن، بانام حجاب پسرشان فرود می آید و در کوچه و بازار و محل کار و ۱۰۰ پر خاشا، ضرب و جرح و تشنه انتخاب نوع لباس را از آنان گرفته است، بلکه بعنوان ابزاری در دست مرتجعین برای انحراف افکار عمومی از مسایل مهم جامعه تبدیل گردیده است.

آقای رفسنجانی در پایان سخنان خود برای اینکه سنگ تمام در عوامفریبی های خود گذاشته باشد، به تحصیل زنان اشاره می کند و می گوید: "خانها باید همه رشته های مورد نیاز مملکت را پر کنند و از لحاظ تحصیلی راه برای آنان کاملاً باز است. ۱۰۰ برکسی پوشیده نیست که ج ۱۰۰ با تحصیل و آموزش زنان چه کرده. داستان بدون شرحی که حتی عوامفریبی های عریان آقای رفسنجانی نتواند آنرا از نظرها محفوظ بدارد. زنانی که سالها در رشته حقوق تحصیل کرده اند، حق هیچگونه قضاوت ندارند و ثبت نام در بسیاری از رشته های فنی و مشابه برای آنان ممنوع است.

بدین ترتیب ج ۱۰۰ پس از اینکه تمام راههای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را برای رشد و تعالی شخصیت زن و بروز استعدادها و توانمندیهای وی می بندد، دو راه پیش پای آنان می گذارد: یا "تعلیم و تربیت" و جنبه خانه نشینی که بزم آقای رفسنجانی "مقتضای طبیعت" زن می باشد و یا اینکه "خواهران می توانند با استفاده از امکانات مالی خود موسسات خصوصی گوناگونی برای تعلیم و تربیت ایجاد نمایند و در آن استعداد های خود را بروز دهند."

و این در واقع همان سیاستی است که تلاش دارد درمان تمام دردها و حل معضلات اجتماعی را در رتبهیت غارتگریهای سرمایه داران بیابد.

اما زنان مبارزها به حکم مسئولیت تاریخی خویش در برقراری یک زندگی نوین عاری از استثمار و بردگی، در مقابل یورشهای حکومت ایستادگی می کنند و صفوف خود را علیه هرگونه بی عدالتی و استغری و بی حقوقی در جامعه همگام با مردان مبارزمی خود فشرده تر کرده و مبارزه خود را برای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و تأمین حقوق برابر اجتماعی مصمانه پیش می برند.

دشمنی حکومت با اول ماه مه

بقیه از صفحه اول

۱۳۶۰ مصادف با جمعه و خواه نسا خواه تعطیل بود. اما روز جهانی کارگرد رسال ۶۱ با وجود تکیلی مفور در وزارت کار، یک روز عادی کار اعلام و از تعطیلی آن خود داری شد. اگر در سال ۶۰ میتینگ باشکوه میدان آزادی را دستجات فاشیست مآب ظاهرا غیر وابسته به حکومت به خون کشیدند، علیه اول ماه مه ۶۱ خود وزارت کار را سا وارد عمل شد و علیرغم خواست کارگران، از تعطیل این روز جلوگیری کرد. بدین ترتیب زحمتکشان نتوانستند به برگزاری تظاهرات و میتینگ های بزرگ روز خود را جشن بگیرند. گرد همایی مختصری که بنام روز کارگرد ر بعد از ظهر شنبه ۱۱ اردیبهشت ۶۱ برگزار شد، همه چیز بود جز تظاهرات کارگری. خواستها و مسایل کارگران در این تظاهرات جایی نداشت. در عوض، تبلیغ سیاسی برای حکومت محور شعارها بود. حتی روزنامه جمهوری اسلامی نوشت که گویا در تظاهرات اول ماه مه، شعارهای "منافق و توده ای انگل اجتماعی" و "جماران گلباران"، توده ای تیرباران" و "کارگران بیدارند - از شوروی بیزارند" داده شد!

اما علیرغم این نمایش حکومتی، در همان سال ۶۱ هم در کارخانجات مراسم اول ماه مه آنطور که شایسته بود برگزار شد. کارگران در واحدهای تولیدی مختلف گرد هم آمدند و خواستهای خود را مطرح کردند.

در سال ۶۲ دشمنی حکومت با اول ماه مه از سال ۶۱ بسیار رزتر و آشکارتر شد. این دشمنی که نمود روشن کینه و رزی رهبران جمهوری اسلامی نسبت به طبقه کارگر - این نیروی بالنده و پیشروی جامعه - بوده و هست از آن هنگام تاکنون از وزارت کار به کل حاکمیت بسط یافته و بر آن مسلط شده است.

"هدیه" اول ماه مه جمهوری اسلامی به کارگران در سال ۶۲ یورش سبعانه به سازمانهای جنبش کارگری ایران و بخصوص حزب توده ایران بود. در شب اول ماه مه، نخستین پرده نمایش نفرت انگیز شلاق و شکنجه را از سیمای جمهوری اسلامی نشان دادند تا در آستانه روز همبستگی بین المللی کارگران، به روند رشد آگاهی انقلابی، تشکل پذیری، و آمادگی رزمی طبقه کارگر ایران و روی آوردن فزاینده کارگران به مدافعین واقعی طبقه خود، بسا شیوه خاص خود - شلاق و "تعزیر" - پاسخ دهند.

امسال، سرحدی زاده و زیرکار هشت از اول ماه مه در یک مصاحبه مطبوعاتی تلویزیونی گفت:

با تصویب هیات دولت روز کارگر -

تعطیل نخواهد برد و واحدهای تولیدی و کارخانجات به تلاش بیشتر در این روز باید ادامه دهند و همچنین سود حاصل در این روز به جیبهای جنگ اختصاص یافته است. (جمهوری اسلامی ۴ اردیبهشت)

بدین ترتیب مقامات جمهوری اسلامی در مقابل کارگران که همواره خواستار تعطیلی اول ماه مه بوده و هستند، این روز را چون سالهای پیش روز عادی کار اعلام کردند و حتی خواهان افزایش تولید توسط کارگران در این روز شدند. البته آقایان اگر می توانستند، همان بلایی را که بر سر روز زن آوردند، بر سر اول ماه مه هم می آوردند و مثلاً "روز بشتن چاههای منجر شده نوروز" و یاد روز ساختن پل عظیم تدارکاتی ۱۳ کیلومتری منطقه عملیاتی خیبر" (پیام و زیرکار به مناسبت روز جهانی کارگر - اطلاعات ۱۰ اردیبهشت) را بعنوان روز کارگر اعلام می کردند. اما جنبش کارگری قوی تر از آنست که بتواند سنت دیرپای

روی برافتگان از "درسهای مردم"

بقیه از صفحه ۳

اتاق بازرگانی و پورا استاد رئیس اتحادیه آهن فروشان (آهن خوار معروف) که تنها کاندیداهای هیات حاکمه برای انتخابات میاند و ره ای بودند و اعتبارنامه های آنها با حمایت گستاخانه رئیس مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده بود، حتی نتوانستند قسمتی از آرای صاحبین ۲۵۰۰۰۰ واحد صنفی تهران را بدست آورند.

بعد توکلی وزیر سابق آبرو باخت - جمهوری اسلامی که کارگزاران او را از وزارت کار بیرون انداخته بودند به سرنوشت پورا استاد و خاموشی در انتخابات دچار شد.

مردم اینک علت اساسی کینه بهینی جمهوری اسلامی علیه نیروهای انقلابی را درمی یابند. نیروهایی که به آماجهای انقلاب و فادارند می توانند به نیازهای مردم زحمتکش و انقلابی پاسخ دهند. جمهوری اسلامی با سرکوب و کشتار اعضا و هواداران نیروهای انقلابی و بویژه تهمت و افترا شایدانه درباره ایدئولوژی، راه و سیاست سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و حزب توده ایران می خواست و می خواهد راه و سیاست سرمایه داران، استعمارکنندگان و راست حاکم طرفدار غارتگران اعتبار پیدا کند. اما مردم زحمتکش در این انتخابات کلیشه ای، نشان دادند که آگاهتر از آن هستند که حکام روی برتافته از خلق می پندارند. هر چند با راه یافتن این چهره و یاراه نیافتن آن چهره

برگزاری جشن اول ماه مه در ایران را از آن بگیرند. حکومت تحت فشار کارگران مجبور است لااقل در ظاهر به اول ماه مه احترام بگذارد، اما برای مسخ آن چاره را در آن دیده است که پس مراسم روز جهانی کارگر را با مناسبتهای دیگر همراه کند و تحت الشعاع آنها قرار دهد و یسا اصلا اول ماه مه را به بهانه اعمال فشار بیشتر بر کارگران به منظور افزایش تولید و تأمین نیازهای جیبهای جنگ بی شمرا عا ر ق تبدیل کند. (اظهارات سرحدی زاده)

حکومت خوب می داند که اول ماه مه برای طبقه کارگری یعنی روز تجدید عهد و مبارزه با سرمایه داری. و به همین دلیل با برگزاری مراسم شایسته این روز مخالف است. سپاه پوش معاون و زیرکاری گوید: "روز کارگر... در عین اینکه ارزش دارد ولی بعنوان یک شعار نهایی و ایده آل و جامع و کامل برای ما مطرح نیست... امروز کارگر مسلمان ایرانی وقتی با سردمدار سرمایه داری که آمریکا است روبرو می باشد، برایش مبارزه با چند سرمایه دار خصوصی ابده آل نیست." (اطلاعات ۱۰ اردیبهشت) معاون وزیر کار حرف دل حکام جمهوری اسلامی را زده است: چون برگزاری اول ماه مه

بقیه در صفحه ۷

از تهران به مجلس تغییرات تعیین کننده ای در تاثیر اراده مردم در حکومت صورت نمی گیرد، اما رسوایی چهره های مفور مدافع غارتگری کلان سرمایه داران بازار، نشانه ای از رشد شناخت و نیل به یافتن علت الحلل مشکلات جامعه و دست یازیدن به راهی است که می تواند مسیر رشد و پویایی جامعه را فراهم کند. اگر چنانچه حاکم برای ان اجازه نداد این مسیر از مجلس بگذرد، اما توان انقلابی، رشد شناخت و حرکت برای سازمان یابی از سوی مردم، زمینه پر توان نیروهایی را که برای تحقق آرمانها و آماجهای انقلاب و فادارند، نشان داد. بعد از پایان مرحله اول انتخابات دوره دوم آقای اردبیلی گفت:

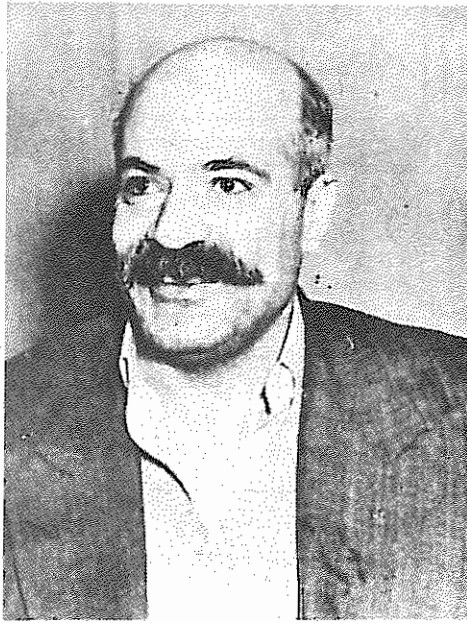
"انتخابات به ما درسی داد که ما باید این درس را خوب بکار گیریم." (کیهان ۴ اردیبهشت)

وی ادامه می دهد:

"در این انتخابات متوجه شدیم که با مردمی آگاه و روبرو هستیم و اینطور نیست که ما هر چه بکنیم بگویند درست است." (همانجا)

به زبان دیگر حکومت تاکنون می پنداشت، مردم آگاه نیستند و بهر سو که منافع بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران ایجاب می کرد می تاخت. هر چند آقای موسوی اردبیلی می گوید حکومت متوجه مخالفت مردم با راهی که حکومت می رود شده است و سران جمهوری اسلامی می خواهند درس بگیرند، اما تجربه ۵ سال گذشته نشان می دهد که آنها نمی خواهند از مردم درس بگیرند. شاگردان گریزان از کلاس هرگز درسی را فرا نمی گیرند.

بمناسبت سالروز شهادت خسرو روزبه قهرمان ملی ایران "به مردانگی مرگ را کرد خوار"



بود.

خسرو روزبه از کودکی با زندگی محرومان میهنان آشنا شد. مشاهده محرومیتها عشق او را به زحماتشان تقویت و کین و دشمنی اش را به دستگاه ستم و پنداران نمود. دردانشکده افسری بود که به عق فساد و ستم حاکم پی برد. در جستجوی شیوه های نوین مبارزه به مطالعه پرداخت. سقوط دیکتاتوری رضاشاه در سطح داخلی و نبرد قهرمانانه خلق شوروی علیه فاشیسم هیتلری در تحول فکری روزبه تأثیر گذاشت و او را در گام نهادن براه مبارزه انقلابی یاری نمود. روزبه در سال ۱۳۲۲ به حزب

توده ایران پیوست.

در دوره اول زندگی مخفی خود که از سال ۱۳۲۴ آغاز گشت، خسرو روزبه کتاب "اطاعت کورکورانه" را نوشت. او در این کتاب سنت حاکم در ارتش یعنی اطاعت کورکورانه را بایاد انتقاد گرفت.

با توجه به جنبش ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی در میهن ما روزبه اقدام به گسترش سازمان افسران آزاد یخواه در درون ارتش نمود و با این کار خدمات بی نظیری به جنبش ضد امپریالیستی ایران نمود. روزبه پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد نیز امر سازماندهی مقاومت انقلابی را ادامه داد. هنگامی که وی دستگیر شد، دشمن از طریق فشار و حتی جسمی قصد برانداختن او را داشت. اما اراده انقلابی، عشق به زحماتشان

"من به اقتضای آتشی که بخاطر خدمت به خلقهای ایران در درون سینما شعله می کشد، راه حزب توده ایران را برگزیده ام و باید اذعان کنم که جانم، استخوانم، خونم، گوشتم، پوستم و همه تار و پود وجودم این راه را راه مقدسی شناخته است و تمام سلولهای بدن من و تمام ذرات وجودم توده ایست. من عاشق سوسیالیسم و عاشق صادق آن هستم."

(خسرو روزبه)

در ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۳۷ خسرو روزبه قهرمان ملی ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران با تاجران خویش از آلمانهای توده ای و انقلابی دفاع نمود و یکبار دیگر زبونی دشمن در برابر اراده و مقاومت آگاهانه انقلابیون را جلوه گساخت. رژیم شاه قصد داشت که با اعدام خسرو روزبه خلقها را از داشتن فرزندی مبارز، انقلابی و دانشمند محروم سازد. اما با مرگ شجاعانه روزبه حماسه شهادت یک قهرمان ملی، الهام بخش صد ها فرزند مبارز او شد. خسرو روزبه فرزند برجسته ای از مقاومت و پایداری، یک انقلابی پر شور، الگوی راستین وطن پرستی و انترناسیونالیسم بود. روزبه به مردم زحماتش میهن عاشقی می ورزید و زندگی اش عملوا مبارزه علیه ستمگری و بیعدالتی

اعتقاد به راه حزب توده ایران تمام آرزوهای شوم در باره نقش بر آب کرد و به دفاع از نظرات سیاسی و از حیثیت و شرف انقلابی خود، از حزب توده ها و مردم زحماتش میهنان پرداخت و با سرافراشته به استقبال مرگ رفت.

زهی پایداری! که ان پایدار
و فارا بربرد تاپایدار
گذشت از سرو خم نشد گردنش
سرافکنی ماند باد شمنش
به مردانگی مرگ را کرد خوار
زهی مرد و آن مرگ با افتخار
کسی را بدین مایه رزندی است
که مرگش گشاینده زندنی است

سوسیالیسم و سرمایه داری گفت:
"روز کارگر را در شرایطی گرمی می داریم که استکبار جهانی شرق و غرب نیز این روز را به نوبه خود گرمی می دارند. اما چگونه گرمی داشت روز کارگر و مقام والای کارگران نظر شرق و غرب بر شما عزیزان پوشیده نیست. در شرق و غرب به صورتهای گوناگون جامعه کارگری را تار و مار می کنند و این انقلاب مایه حق پرچم دار جهانی مستضعفان شده است." (رادیو جمهوری اسلامی، ۱۱ اردیبهشت)

او در حقیقت به کارگران می گفت: ما شکل های شمارا منحل می کنیم، دستمزدتان را در سطح نازل نگه داشته ایم، نمی گذاریم جشن خود را برگزار کنید و به شما برای افزایش تولید فشار می آوریم، چون شکل کارگری، بهبه بود سطح زندگی و بخصوص برگزاری اول ماه مه همگی "استکباری" است. و با این وضع، تازه سران جمهوری اسلامی "پرچمدار جهانی" مستضعفین "هم هستند!"

بقیه در صفحه ۱۱

روزی نیست که خبر شهادت عده ای از دلاوران کارگرم از جبهه های نبرد حق علیه باطل دریافت نشود. روزی نیست که اخبار افتن آفرین تلاش بی وقفه در مقابل با نبرد تحمیلی استکبار جهانی در جبهه اقتصادی را دریافت نکنیم. پس هر روز برای ما روز کارگرم است." (پیام به مناسبت روز جهانی کارگر - اطلاعات ۱۰ اردیبهشت)

"مراسم"ی که بعد از ظهر ۱۱ اردیبهشت در دانشگاه تهران برگزار شد، شاه دادامه افاضات سخنگویان حکومت در این جهت (مسئله اول ماه مه) بود.

آقای موسوی نخست وزیر پیام خود که در دانشگاه خوانده شد، مدعی شد که کارگران ایران اگر می خواهند استثمار نشوند باید تولید را افزایش دهند. یعنی بیشتر استثمار شوند تا کمتر استثمار شوند!

سرحدی زاده وزیر کار در همین مراسم لجن پاشی علیه اتحاد شوروی را فراموش نکرد و با خلط مبحث و یکسان قلمداد کردن

دشمنی حکومت با اول ماه مه

بقیه از صفحه ۶

یعنی مبارزه با سرمایه داری، پس این کسار "ایده آل" نیست (بخوان ممنوع است). اما از طرفی ادامه جنگ یعنی مبارزه با "سرمدار سرمایه داری" (دروغی که مدتهاست کهنه شده است)، پس کارگران نباید با سرمایه داری مبارزه کنند، بلکه باید به جبهه بروند. بجای تعطیلی اول ماه مه که در آن روز کارگران بتوانند خواسته های خود را مطرح کنند، باید در این روز کارگران را بیشتر استثمار کرد و دسترنج آنها را در کوره جنگ و جیب "تبار محترم" ریخت.

آقای سرحدی زاده با تردستی کوشید تا اول ماه مه را بی اهمیت جلوه دهد:

"اگر بنا باشد به مناسبت کشته شدن، تعدادی از کارگران در گوشه ای از جهان در تظاهرات اول ماه مه، آن روز روز کارگر تلقی شود زهی افتخار به کارگران زحماتش و با ایمان وطن اسلامی که هر روز بر آنان روز کارگرم است."

در حاشیه



برادران ناتوئی!

تعدادی از اعضای هیات نمایندگی ترکیه طی بازدید دوستانه و پس از انعقاد قرارداد های کلان اقتصادی با جمهوری اسلامی در نماز جمعه روز ۷ اردیبهشت به امام جمعه آقای رفسنجانی شرکت کردند. امام جمعه موقت تهران در قسمتی از خطبه دوم خود گفت:

"آنهايي که با ما خوب رفتار کنند، می توانند با ما حسابی زندگی کنند."

همین برادران ترك که در نماز جمعه هستند، اینها مگر همسایه ما نیستند؟ چطور اینها با ایمن امنیت همسایگی با ایرانیان می توانند رابطه داشته باشند در عین اینکه عضو ناتو هم هستند." (اطلاعات ۱۸ اردیبهشت)

حکومت و دانشجویان

فیل از انتخابات: "امروز دانشگاهها با قدرت کامل وارد صحنه سیاسی شده اند و در کنار همه اقشار دیگر بطور فعال در انتخابات شرکت می کنند." (موسوی نخست وزیر، اطلاعات ۲۳ فروردین)

بعد از انتخابات: "از دانشجویان انتظار داریم صفا، دین و تقوی را حفظ کنند و از سیاست بازی و سیاست کاری بدور باشند." (خامنه ای رئیس جمهور، کیهان ۲ اردیبهشت) مبادا افرادی بصورت دانشجویان انقلابی مسلمان سعی کنند چهره نشان داده و بخواهند محیط تحصیل را تضعیف کنند. (کیهان ۲ اردیبهشت - هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی)

روح کلام آقایان خطاب به این دانشجویان (با سیر دانشجویان با زبان اخراج، زندان، شکنجه و اعدام سخن می گویند) چنین است: دانشجویان مسلمان مبارزان متشکل شدن بپرهیزند، از عرصه سیاست دوری بجویند - مگر در زمان و چارچوبی که آقایان می خواهند - نسبت به سازش و تسلیم سران حکومت و سیاستهای آنان در تأمین منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان اعتراض نکنند و از آن تبعیت کنند.

خوش خدمتی به بازار و بفروش ها!

مدیرعامل بانک مسکن گفت: "کسانی که قصد خانه سازی برای فروش دارند و زمین در اختیارشان هست می توانند با بانک قرارداد مشارکت مدنی منعقد کنند و شروع به خانه سازی کنند که در این مورد وجوه حاصل از فروش

خانه ها برحسب توافق بین بانک و متقاضی تقسیم خواهد شد." (کیهان ۱۱ اردیبهشت) حکومت جمهوری اسلامی که تاکنون کوچکترین گامی در جهت حل معضل مسکن، این مشکل اساسی زحمتکشان برنداشته است - اگرچه در تبلیغات بی متوا و گوشخراش بی رقیب است - حال، علاوه بر فاقته بانک قافله، شریک دزد هم شده است و با تأمین مالی بازار و بفروشها، این سرمایه داران انگل از غارتگریهای آنان سهم می خواهد. بجای صادره زمینهای در ملک مشتی پارس باز زمینخوار با "کسانی که ۰۰۰ زمین در اختیارشان هست" شریک میشود و سرمایه در اختیارشان میگذارد و بجای اجرای طرحهای وسیع خانه سازی - برای زحمتکشان و اختصاص منابع و مصالح موجود در این رابطه، خود به بازار و بفروش خانه های لوکس تبدیل می شود، برآستی که از حکومت تا جر مسکن بجز این، انتظار نمی رود.

"آنطرف" که "آباد است"

آقای موسوی اردبیلی رئیس دیوانعالی کشور در دیدار با روحانیون و حکام شرع و خانواده شهداد تبریز گفت:

"هنوز بعد از سالها، بازار اردبیل به آستارا درست نشده است، راه بستن آباد به اردبیل درست نشده است..."

"... می دانید که آذربایجان يك منطقه مرزی است، آنان و قتی در منطقه مرزی حرکت می کنند می بینند آنطرف مرز، آباد، ساختمانهای خوب، راههای آباد، اما اینطرف چطور..." (کیهان ۵ اردیبهشت)

البته آقای اردبیلی بخوبی می داند، مسئولین حکومتی در آذربایجان فعلا مشغول نبود کردن آثار استانی و ساختمان ارک و تئاتر و کتابخانه ملی تبریزی باشند و برای راهسازی وقتی ندارند! و برای تکمیل این اقدامات عمرانی و فرهنگی "خود دستور پائین آوردن آنتن های بلند رادار اند تا دیگر مردم نتوانند حتی در تلویزیون "آنطرف مرز" راکه "راههای آباد و ساختمانهای خوب" دارد و "آباد" است ببینند!!

ایران و صدور جای و تلویزیون!

چندی پیش آقای عابدی جعفری وزیر بازرگانی باغور و خوشحالی اعلام کرد که: "انشاء الله ما قادر خواهیم بود در آینده نزدیک بعضی از کالا های تولیدی میهن اسلامی مان نظیر چای و تلویزیون به دیگر کشورهای ما صادر کنیم." (کیهان ۱۱ اردیبهشت) پوچی ادعای آقای وزیر بخوبی روشن است.

در مورد صدور تلویزیون هر فرد کم اطلاعی می داند که آنچه که تحت نام تلویزیون "ساخت ایران" تهیه می شود، از آمریکا، ژاپن و ۰۰۰ وارد می شود و در ایران مونتاژ می گردد و صدور محصولات صنایع وابسته به امپریالیسم غربی آنکه صحت داشته

باشد - در مورد تلویزیون با توجه به قیمت بازار سیاه آن و نوبتهای چند ساله و آمار واردات بهیچوجه اینچنین نیست - جای مباحثاتی را برای حکومت باقی نمی گذارد و اما در مورد چای، می توان بی محتوا بودن سخن و زیر بار گانی را حتی از گفته های مسئولین دیگر حکومتی دریافت:

"مطابق اظهار نظر سازمان چای سیستم کشت و ریزی ما مطابق ۸۰ سال پیش است و با همان بازده ۸۰ سال پیش محصول بدست می آید." (مهندس اردکانی مسئول اداره کشت و ریزی گیلان، کیهان ۶ فروردین)

"۵۰ هزار تن چای در داخل کشور تولید می شود و ۳۳ هزار تن از خارج از کشور وارد خواهد شد." (مدیر عامل سازمان چای کشور، کیهان ۲ اردیبهشت) جای یکی از واردات عمده ایران از هند است. (کیهان ۱۰ اردیبهشت)

جالب است جمهوری اسلامی که با سیستم ۸۰ سال پیش چای می کارد و ۴۰ درصد نیاز را از خارج وارد می کند، حالا می خواهد چای صادر کند! ایشم از معجزات جمهوری اسلامی!

خبر سازی در جمهوری اسلامی

علیه افغانستان

رسانه های گروهی وابسته به رژیم جمهوری اسلامی منطبق با سیاست ضدافغانی ضدانقلابی سردمداران ۱۰ - علیه انقلاب افغانستان پیوسته به کشفیات جدیدی دست می یابند. اخبار مسخ شده علیه انقلاب افغانستان هر روز با زتاب و سیاحتی در این رسانه ها می یابند. روزنامه صبح آزادگان "خبر" زیر چاپ کرده است:

"انضمام افغانستان به خاک شوروی روز دوشنبه با امضای پروتکل حمل و نقل میان مسکو و کابل وارد مرحله تازه ای شد." (۲۹ فروردین - صبح آزادگان)

امامتن خبر هیچگونه تناسبی با تیریزگر آن و "استنتاج" بالاندارد در ادامه خبر می خوانیم:

"به گزارش واحد مرکزی خبر به نقل از خبرگزاری آسوشیتد پرس براساس این پروتکل که از فردا به مورد اجرا درخواهد آمد اتباع افغانستان اجازه خواهند داشت تا آزادانه از مرز این کشور گذشته و به بخش آسیایی مرکزی شوروی سفر کنند." (۲۹ فروردین - صبح آزادگان)

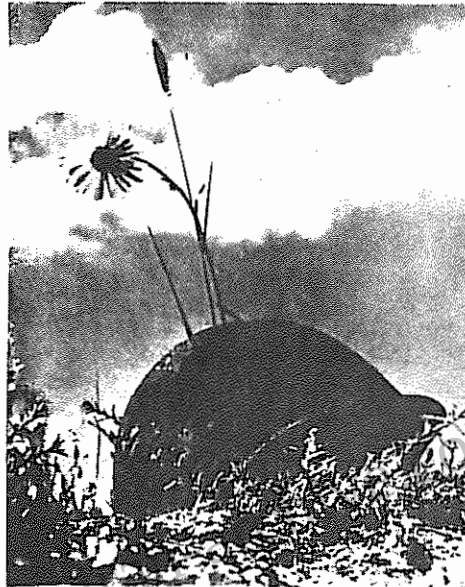
به این می گویند، تحریف خبر به سبک جمهوری اسلامی!

"جنگ ز الفاظ خیزد و معانی آشتی"

در هفته گذشته مسئولین ج ۱۰ - ادعا کردند که در مقابل تشارهای آمریکاییان و لاهم مقام می کنند. مطبوعات زیرسانسور نیز

بمناسبت سالگرد پیروزی تاریخی اتحاد شوروی بر فاشیسم هیتلری دفاع از صلح جهانی و مقابله با خطر جنگ رسالت تاریخی دولت و مردم اتحاد شوروی

شد و ارتش سرخ بارهایی مین خود را قیام
نیروهای اشغالگر فاشیستی، نجات میلیونها
انسان دیگر از یوغ فاشیسم را در دستور کار قرار
داد.



برای رسیدن به برلین و تخریب لانه
فاشیسم راهی بس طولانی در پیش بود. ۱۸۴۱۸ روز
و شب در جبهه‌ای به وسعت ۶۲۰۰ تا ۳۰۰۰
کیلومتر و در اراضی اشغال شده توسط نیروهای
تجاوزگر فاشیستی مبارزه سختی جریان داشت.
برای کسب پیروزی، حلق شوروی قیمت گرانی
پرداخت. در هر دقیقه ۹ تا ۱۰ نفر، در هر ساعت
۵۸۷ تا ۵۸۸ نفر و در هر روز ۱۴۰۰ انسان
قربانی تجاوز فاشیستی گردیدند. میزان خسارت
وارد بر اتحاد شوروی معادل ۴۸۵ میلیارد
دلار آمریکایی به نرخ آن روز بود.

با آنکه فاشیسم هیتلری در اتحاد شوروی
پیش از بیست میلیون انسان قربانی گرفت کشور
شوراهادراین جنگ مرگبار پیروز شد و به ۱۱۳ میلیون
انسان در اروپا آزادی دوباره بخشید. در روز اول
ماه مه ۱۹۴۵ پرچم پیروزی بر فراز مجلس آلمان به
اهتزاز درآمد و در نهم ماه مه آلمان هیتلری
تسلیم شد.

امروز جامعه کشورهای سوسیالیستی
و در رأس آن اتحاد شوروی رسالت عظیم حفظ
صلح جهانی را برعهده دارند. بمواظبات اقدامات
صلح جویانه دولت و مردم اتحاد شوروی،
امپریالیستها و در رأس آن امپریالیسم آمریکا برطبل
جنگ می‌کوبند. مداخل حاکم در ایالات متحده
آمریکا با تمام قوا در صدد ضربه زدن به اتحاد
شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی اند. دشمنان
بشریت در دستگاه رهبری آمریکا با

۱۹ اردیبهشت ماه سالگرد تسلیم بلا شرط
آلمان هیتلری و رهایی انسانهای سراسر جهان
از چنگال فاشیسم است.

پیروزی بر فاشیسم هیتلری حاصل فداکاری،
مقاومت و یکپارچگی و وحدت مردم اتحاد شوروی
در برابر این خطر مرگبار بود. مردمی که در ساختن
سوسیالیسم نقش برجسته‌ای ایفا کرده و همواره
از آغاز پیدایش سیستم نوین در سرزمین خود در
معرف و حشیانه ترین هجومها بوده‌اند و برای
دفاع از دستاوردها و کوششهای خود راهی
جز جانبازی و ایثار نمی‌شناسند.

یورش فاشیسم هیتلری به اتحاد شوروی
در ژوئن ۱۹۴۱ آغاز گشت. اتحاد شوروی در
یک نبرد مرگبار درگیر شد و دوران جنگ کبیسه
میهنی فرارسید.

ارتش هیتلری که از لحاظ نظامی مجهز تر
بود و تمامی منابع اقتصادی و نظامی اروپا
را در اختیار داشت، دست به پیشروی زد و از این
برتری موقتی سود جست. اتحاد شوروی با
سنگین مقاومت در برابر فاشیسم ایستاد و شمی کشید.

در این دوران حزب کمونیست اتحاد شوروی به
سازماندهی خلق برضد اشغالگران فاشیست
پرداخت. مردم شوروی که دریافت بودند،
مساله مرگ و زندگی دولت شوروی و امارت و
آزادی خلقهای آن کشور در میان نیست، سرشار

از احساسات والای میهن پرستی به دفاع از دولت
و کشور خود پرداختند و فصل جدیدی از فداکاری
و قهرمانی در تاریخ میهن سوسیالیستی خود
گشودند. در کوتاه ترین زمان ممکن در فاصله
ژوئیه تا نوامبر سال ۱۹۴۱ بیش از ده میلیون
نفر و ۱۳۶۰ کارخانه بزرگ به شرق کشور منتقل
شدند. با کوششهای قهرمانانه کارگران اتحاد

شوروی که سهم بسزایی در پیروزی بر فاشیسم
داشتند، در ظرف سه تا چهار هفته تمامی کارخانه‌ها
بزرگ انتقال یافته به کار می‌افتادند. پیوسته
اقتصاد وسیعی از خلق به ارتش و نیروهای یارتیزان،
شرکت بیش از یک سوم اعضا و دبیران کمیته مرکزی
و بیش از یک میلیون و سیصد هزار نفر از اعضای
مجرزب، حزب کمونیست اتحاد شوروی تا

اواخر سال ۴۱ در جبهه‌ها، فداکارانه‌ای
افسانه‌ای کارگران راه آهن در انتقال تجهیزات
به جبهه، همه و همه تبلور میهن پرستی
سوسیالیستی بود که خلقهای شوروی از
خود نشان می‌دادند.

با تسلیم شدن نیروهای ارتش هیتلری
در استالینگراد، با مقاومت بی نظیر مردم لنینگراد
و شکستن حلقه محاصره این شهر توسط ارتش
سرخ افسانه شکست ناپذیری هیتلر نقش بر آب

بمناسبت سالروز دو پیروزی تاریخی خلق ویتنام خلقی که امپریالیستهای آمریکایی و فرانسوی را بزانو درآورد

اردیبهشت ماه برای خلق قهرمان ویتنام
باد و پیروزی تاریخی و سرنوشت ساز همراه
بوده است. ۳۰ سال پیش در ۷ مه ۱۹۵۴ (۱۷
اردیبهشت) خلق ویتنام در کنار رهبر کبیر خود
هوشی مین در نبرد "دین بین فو" —
اشغالگران فرانسوی پیروز شد.

تاسیس جمهوری دموکراتیک ویتنام در سال
۱۹۴۵ استعمارگران فرانسوی را بران داشت که
در ۲۳ سپتامبر همین سال جهت نابودی این
جمهوری نوپا و مستقل سایگون را اشغال کنند.
خلق قهرمان ویتنام به رهبری حزب کمونیست
این کشور مسلحانه در برابر این تجاوز آشکار
ایستاد و با مقاومت قهرمانانه خود با آنکه
قربانیهای فراوان داد، اشغالگران فرانسوی
را مجبور به ترک سرزمین خویش نمود.

بیرون راندن اشغالگران فرانسوی معنای
پایان تجاوز علیه خلق قهرمان ویتنام نبود.
این بار آمریکا جانیکنار با تجاوز نظامی خود
جنگ دیگری را بر مردم ویتنام تحمیل نمود.
جانیتهای آمریکا در ویتنام، استفاده از سلاحهای
شیمیایی و دستیازیدن به تمامی روشهای
ضد بشری برای بزاند آوردن مردم این کشور
موثر واقع نشد و این خلق قهرمان در ۱۵
اردیبهشت ماه ۱۳۵۴ به حاصل فداکاریها و
تلاشهای شایسته روزی خود دست یافت و
بافتح سایگون پایتخت حکومت دست نشانده
آمریکا پرچم انقلاب را بر فراز کاخ استقلال به اهتزاز
درآورد.

مبارزات خلق ویتنام به رهبری حزب
کمونیست در راه صلح، سوسیالیسم و ترقی
اجتماعی تأثیر بسزایی در حرکت زخمکشان
سایر کشورها برای نیل به استقلال و آزادی
ورهای از قید امپریالیسم ایفانمود و ماهیت
پلید امپریالیستهای فرانسوی، انگلیسی و
آمریکایی را در گریه بار نمایان ساخت. سالگرد
این دو پیروزی تاریخی بر خلق ویتنام و بشریت
ترقیخواه سراسر جهان فرخنده باد.

دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی، استعمار
موشکهای هسته‌ای و ساخت بمبهای نوترونی
قصد رسیدن به برتری بر اتحاد شوروی را دارند
تا با وارد آوردن "ضربه اول" به آرزوی شوم
هیتلری یعنی نابودی سوسیالیسم و
دستاوردهای آن جامعه عمل پوشانند.

ارد و گاه پیروزمند سوسیالیسم و همه
انسانهای صلح دوست سراسر جهان اجاز
نخواهند داد که تاریخ تکرار شود و کشورهای
حامی انسانیت، صلح، آزادی و ترقی اجتماعی
مورد هجوم امپریالیسم جهانی بسرگردگی
امپریالیسم آمریکا قرار گیرند.

درباره برخی نکات بودجه سال ۶۳

بقیه از صفحه ۴

دلار سهم صنایع کشور است. (وزیر صنایع ۲۲ دی) ۱۰ ارز، مواد غذایی وارداتی بیش از ۴ میلیارد دلار است. برنامه پنجساله اول جمهوری اسلامی، رشد میانگین واردات کالا و خدمات را ۶/۵ درصد پیش بینی کرده است.

واقعیت اینست که با انهدام اقتصاد روستا و مهاجرت عظیم روستائیان به شهرها (افزایش جمعیت کل کشور بطور متوسط ۳ درصد در سال) وابستگی کشور در زمینه مواد غذایی به انحصارات امپریالیستی مدام تشدید میشود. برای نمونه در سالهای ۶۱ - ۶۲ واردات گندم به دو برابر افزایش یافت. این روند در سال جاری تشدید خواهد شد. زیرا سیاست دولت در مسئله ارضی مانع تخفیف بحران در اقتصاد روستا است.

وضع در زمینه واردات کالاهای واسطه‌ای چه در رشته صنایع و معادن و کشاورزی و چه در سایر رشته‌ها با آنچه در مورد تالاهای مصرفی گفته شده تفاوت کیفی ندارد. مطابق ارزیابی برنامه اول ارزش کالاهای واسطه‌ای وارداتی در فاصله ۶۲ - ۶۰، حدود ۱۷۱ میلیارد ریال افزایش یافت. آن مجموعه دلایلی که این افزایش را بوجود آوردند، در سال ۶۳ نیز عمل خواهند نمود. ساخت صنایع مونتاژ از لحاظ مواد اولیه، ماشین آلات، قطعات پیش‌ساخته و منفصله و خدمات به گونه‌ای است که واردات دائمی و گسترش‌یابنده را به دولت تحمیل میکند. همین وضعیت در صنایع باصلاح اساسی و واردات کالاهای باصلاح سرمایه‌ای نیز وجود دارد. حکومت تجدید قراردادهای نابرابر با انحصارات اروپایی و ژاپنی در مرد فولاد مبارکه و نیروگاه اتمی بوشهر و مثل آنها را با جابجایی جنجال زیاد سرمایه‌گذاری عمرانی و اساسی معرفی میکنند. اما این نوع قراردادهای ناسازگار عمرانی است و نه اساسی. چرا که اساس استقلال اقتصادی کشور را به خطر انداخته و می‌اندازد. چنین طرح‌هایی در کل همچنان تثبیت‌کننده و ادامه دهنده وابستگی اقتصادی اند.

یکی از اقلام درشت مخارج دولت، هزینه جاری است. در لایحه پیشنهادی مبلغ آن ۲۶۴۴ میلیارد ریال پیش‌بینی شده است. هزینه جاری از ۲۲۵۲ میلیارد ریال در سال ۶۱ به ۲۶۴۴ میلیارد ریال افزایش یافته است. علت آنرا باید در بی‌کفایتی مسئولان حکومت و ناتوانی در برنامه‌ریزی، عدم تحرک بوروکراسی بسیار عریض و طویل و وجود مؤسسات و ارگانهای منابه و گسترش نهادها و ارگانهای مسلح و توسعه ماشین جنگی جستجو کرد.

دولت برای مقابله با کسری بودجه - به بعضی از وزارتخانه‌ها و شرکت‌های وابسته دستور فروش خانه‌های سازمانی، ابزار و ماشین آلات و مؤسسات و مزارع کوچک را داده است.

(تبصره‌های ۳، ۳۶، ۳۷ قانون)

در جریان مذاکرات مجلس گروهی از نمایندگان مجلس اخراج ۲۵ تا ۳۰ درصد کارمندان دولت را پیش‌کنند. و طرح حذف سوسید دولت بهمان آمد. اما هم نمایندگان و هم دولت اینرا خوب می‌فهمند که با این رقمها، تخفیر جدی در هزینه جاری ایجاد نمیشود. اکنون وضع درآمد و خرج دولت ایمن چنیین است که درآمد نفت با واردات تقریباً برابری میکند. مالیات قادر نیست هزینه جنگ و بوروکراسی را تامین کند. به ناچار دولت هر ساله کسر بودجه شدید دارد. در لایحه پیشنهادی ۱۳ میزان کسر بودجه بدون احتساب برگشتی سال شصت و دو به ۵۴۲ میلیارد ریال بالغ شده است.

اما مذاکرات مجلس مدلل می‌سازد که کسر بودجه واقعی را باید در حدود ۱۰۰۰ میلیارد ریال ارزیابی کرد. (کیهان ۹ و ۱۵ اسفند) دولت صلاح را در این دیده است که کسری بودجه را بپوشاند. طبق برنامه اول همین دولت آقای موسوی و همین مجلس پیش‌بینی کرده اند که کسر بودجه از ۳۵۰ میلیارد ریال در سال ۶۲ به ۲۴۴ میلیارد ریال در سال ۶۳ کاهش پیدا کند و تا آخر برنامه به صفر برسد. هنوز یکسال از تصویب برنامه نگذشته بود که شش ماه قانون بودجه سال ۶۲ تصویب شد و دولت اجازه یافت ۱۵۰ میلیارد ریال قرض‌کند. دولت برای تامین هزینه از آنجا که بازار نفت در اختیار او نیست تا هر میزان که خواست بفروشد، مدام بر استقراض میافزاید. بدین ترتیب عملاً با دزدیدن درآمد ناچیز مردم، می‌خواهند کسر بودجه عظیم خود را جبران کنند.

حجم پول در گردش در سال ۵۷، ۲۵۷ میلیارد تومان بود. این مبلغ در سال ۶۲ بالای ۷۰۰ میلیارد تومان شده است (نمایندگان ۱۴ اسفند). و این عمدتاً در بخش توزیع و بازرگانی بکار افتاده و سودهای عظیم بدست آورده است. این حجم از پول در گردش از یکسو تیرم سالانه را به ۲۰ درصد رسانده است. و از سوی دیگر در سال ۶۱، بیش از ۲۵۰ میلیارد تومان و در سال ۶۲، مطابق برآورد، ۲۸۰ میلیارد تومان سود به جیب صاحبان سرمایه‌های کلان ریخته است (بانکی کیهان ۱۳ اسفند). و به عبارت دیگر سیاست ناظر بر قانون بودجه ۶۲ و قانون ۶۳ بنا بر ماهیت تدوین و تصویب‌کنندگان آنها طوری است که فقر مردم و بی‌عدالتی بر جامعه را تشدید میکند. بررسی قانون بودجه سال ۶۳ یک بار دیگر ثابت میکند که سران رژیم جمهوری اسلامی حق مردم را با شدت فزاینده پایمال میکنند. آنها خود ناچار میشوند که ستم و جنایت‌خیزش را علیه زحمتکشان با آمار و ارقام به نمایش بگذارند و قانون بودجه هم یک نمونه آنست.

"جنگ ز الفاظ خیزد و ز معانی آشتی"

بقیه از صفحه ۸

مطالب زیادی در این مورد مطرح کردند. ۱۰ جمله:

"هشدار نخست و زیرپیرامون ضابط ۴۰۰ میلیون دلار از داراییهای ایران توسط امریکا" (تیتراطلاعات روز ۱۵ اردیبهشت)

"دولت ایران در برابر تخلفات دیوان دآوری لاهه سکوت نخواهد کرد و در هر مورد تصمیم مقتضی و مشروع اتخاذ خواهد کرد." (تیتراطلاعات ۸ اردیبهشت)

دکتر جهرمی سرپرست دفتر خدمات حقوق بین المللی ۱۰ ماهیت اختلاف را چنین بیان می‌کند:

"در موقع امضای بیانیه‌های الجزایر تصمیم گرفته شده است که از محل سپرده‌های توقیف شده ایران در آمریکا وام‌های بانکهای ایران و سازمانها و موسسات دولتی به بانکهای آمریکایی باز پرداخت شود و برای این منظور بانک مرکزی ایران مبلغ ۳/۶۶۷ میلیارد دلار از طریق دولت الجزایر در اختیار فدرال رزرو بانک آمریکا قرار می‌دهد. پس از محاسبه معلوم می‌شود که این مبلغ در حدود ۴۰۰ میلیون دلار بیش از پدیده بابت وام‌های ایران است و فدرال رزرو آمریکا هم به ایران معترف است ولی تاکنون از پرداخت این وجوه اضافی به ایران خودداری کرده است. بدین اینک بهانه‌ای در دست داشته باشد." (اطلاعات ۸ اردیبهشت)

پرخاشگری دروغین ج ۱۰ علیه "شیطان

بزرگ" را پس از پرداخت باج چهار میلیارد دلاری به شرکت‌های آمریکایی و حتی تسلیم ۴۰۰ میلیون دلار مازاد بر مطالبات آمریکایی فقط می‌توان عوامفریبی مستحل تلقی کرد و پس از جمهوری اسلامی که از مطرح کردن جزئیات قراردادهای اقتصادی خود با امپریالیستها همیشه اوارزیده است، این بار می‌خواهد با طرح جزئیات بعد از توافق بر سر کلیات باج پرداختی به امپریالیسم چنین وانمود کند که در تماسها و انعقاد قراردادها "شیطان بزرگ" منافع مردم ایران را دنبال می‌کند. آقای موسوی اردبیلی دم خروس را آشکار می‌کند:

"آمریکا امروز از ترس مردم و انقلاب اسلامی ایران دست سازش‌پسوی مادر می‌کند." (اطلاعات ۸ اردیبهشت)

مردم بخوبی می‌دانند که جمهوری اسلامی در دیوان لاهه راه سازش را در پیش گرفته است و اعتراض حکومت برای ۴۰۰ میلیون دلار زیاده طلبی آمریکا هدفی جز کم اعتبار جلوه دادن باج دهیهای چند میلیارد دلاری ج ۱۰ و توسعه روابط با "شیطان بزرگ" نیست.



رویدادهای جهان

المپیک ۸۴ بهانه‌ای دیگر برای

کمونیسم ستیزی افسارگسیخته ریگان

کمیته ملی المپیک اتحاد شوروی اعلام کرد: شرکت ورزشکاران شوروی در بیست و سومین دور بازیهای المپیک در لس آنجلس ممکن نیست. این تصمیم در جلسه کمیته ملی المپیک اتحاد شوروی در هشتم ماه مه گرفته شد. علت این امر آنست که دولت ایالت متحده آمریکا از روزهای نخست تدارک المپیک کوشش کرده آن را برای اهداف سیاسی مورد سوءاستفاده قرار دهد.

قبلاً کمیته ملی المپیک اتحاد شوروی کارزار ضد کمونیستی و ضد شوروی دولت ریگان و کمیته المپیک آمریکا را که مسئول برگزاری بیست و سومین بازیهای المپیک است، محکوم کرده بود. در بیانیه کمیته ملی المپیک اتحاد شوروی آمده بود: دولت ریگان در آستانه انتصابات از این بازیها جهت مقاصد آزمندانه خود سوءاستفاده می کند. ورزشکاران و مسئولان تیمهای ورزشی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را آشکارا تهدید به درگیری و برخورد فیزیکی می کنند و ادعاهای افتراآمیزی را اشاعه می دهند که گویا شرکت هیاتهای ورزشی اتحاد شوروی امنیت آمریکا را به مخاطره می اندازد. در بیانیه قید شده بود:

برخلاف ماده ۵۱ منشور المپیک، آمریکا به نمایندگی فرستنده "اروپای آزاد" (فرستنده وابسته به سازمان سیا) اجازه فعالیت داده است تا به اقدامات مخرب علیه کشورها، سوسیالیستی دست بزند.

در حالیکه گزینش ورزشکاران در اتحاد شوروی و جمهوری دمکراتیک آلمان هنوز به اتمام نرسیده بود، برگزارکنندگان المپیک خواهان تحویل لیست اسامی هیاتهای ورزشی دو کشور شدند تا به آنها ویزا داده شود. در صورتیکه ماده ۵۹ منشور المپیک شرکت هیاتهای ورزشی را در مسابقات مقدماتی و مسافرت آنها را با پرداختن کارشناسانی میسر می داند.

کمیته های ملی المپیک، بلغارستان، مغولستان، مجارستان و جمهوری دمکراتیک آلمان نیز با انتشار بیانیه هایی این اقدامات را محکوم کردند.

این اولین باریست که امپریالیسم آمریکا سعی در بیفشردن سیاستهای ماجراجویانه خود در مجامع ورزشی دارد. به تحریک آمریکا، پاره ای از کشورهای امپریالیستی المپیک ۱۹۸۰ را "تحریم" کردند. اما بازیهای المپیک مسکو با شرکت ورزشکاران اکثریت کشورها،

نمونه بارز و درخشانی از رعایت مواد منشور المپیک و استحکام دوستی و همبستگی خلقها را ارائه داد.

"کوکلوکس کلان"

به ریگان رأی می دهد

باند نژادپرست و جنایتکار "کوکلوکس کلان" که بعنوان عامل قتل و کشتار سیاهپوستان آمریکا شناخته شده، اعلام نموده است که برای انتخاب مجدد ریگان به سمت ریاست جمهوری آمریکا تلاش خواهد کرد. این باند تاکید کرده که برنامه دولت ریگان و به خصوص پلا تفرم انتخاباتی حزب جمهوریخواه با اهداف باند مذکور انطباق کامل دارد.

آمریکا در شمال قبرس

پایگاه جاسوسی مستقر می کند

روزنامه قبرسی "هاراگی" می نویسد آمریکا در حال حاضر اولین پایگاه نظامی خود را در بخش شمالی قبرس که تحت اشغال ترکیه است، مستقر می کند. از این پایگاه نظامی برای اهداف جاسوسی آمریکا علیه کشورهای خاور نزدیک، یونان، بلغارستان و اتحاد شوروی استفاده می شود.

دیدار رفیق یاروژلسکی از مسکو

هفته گذشته رفیق و ویسرخ یاروژلسکی دبیر اول کمیته مرکزی حزب متحده کارگران و نخست وزیر جمهوری توده ای لهستان از مسکو دیدار نمود.

طی این دیدار، برنامه درازمدت برای همکاری و پیشرفت اقتصادی - علمی میان اتحاد شوروی و لهستان از سوی رفیق کنستانتین چرننکو دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر

دشمنی حکومت با اول ماه مه

بقیه از صفحه ۷

البته برای اینکه مراسم "روز کارگر" را در عزاداری تحلیل برند، "به مناسبت شهادت استاد مطهری سرود زیبایی توسط گروه سرود بسیج مستضعفان خوانده شد." (رادیو جمهوری اسلامی ۱۱ اردیبهشت)

اما کارگران به این ظواهر سازبها به مناسبت اول ماه مه که تازه آن را هم با مبارزات خود به حکومت تمهیل نموده اند، به هیچ وجه قناعت نکردند. آنها روز همبستگی جهانی کارگران را در خانه های کوچک خود، در محفل های گرم خود و با بکارستن متنوع ترین شیوه ها - همان شیوه هایی که طبقه کارگر مجبور بود در دوران اختناق آریامهری از آن استفاده کند - جشن گرفتند. جشن همبستگی، جشن مبارزه، جشن فردای روشن ...

هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی و رفیق یاروژلسکی بامضا رسید. رفیق یاروژلسکی طی سخنانی از اتحاد شوروی بخاطر کمک مادی و حمایت سیاسی آن از لهستان تشکر کرد.

همبستگی بین المللی بانیکاراگوئه

"کنفرانس بین المللی نیکاراگوئه و صلح در آمریکای مرکزی" در پایتخت پرتغال روز شنبه گذشته پایان یافت.

۳۰۰ شرکت کننده کنفرانس از ۸۰ کشور یک دل و یک صدا خواهان تدارک اکسپونسی برای افشای حمله ها، کمپهای مالی، تجهیزات و گسیل مزدوران آمریکا و متحدانش شد. رئیس کنفرانس آدرلف پراسکو بول برنده جایزه نوبل (از آرژانتین)، مین گذاری سواحل نیکاراگوئه تهاجم گرای دستگاه حاکمه ریگان را اقدام تروریستی آمریکایی علیه استقلال و حق حاکمیت نیکاراگوئه شمرد. شرکت کنندگان کنفرانس این تهاجمات را نقض آشکار قوانین بین المللی دانستند و استفاده از پایگاههای نظامی در کشور رهند و راس را برای تهاجم علیه نیکاراگوئه محکوم کردند.

کنفرانس تاکید کرد "اکنون نیکاراگوئه و آمریکای مرکزی هدف جنگ افروزی دستگاه حاکمه آمریکا شده اند. آمریکا را این کار زلجید بطور عمده و مغریانه ای شرایط روحی و روانی را برای یک حمله مستقیم به نیکاراگوئه و آمریکای مرکزی تدارک می بیند."

در کنفرانس پیشنهاد شد روز ۱۹ ژوئیه پنجمین سالروز سقوط دیکتاتوری سوموزا بخنوان روز همبستگی بین المللی بانیکاراگوئه اعلام شود.

★ ★ ★

با جمع آوری

کمک مالی

فدائیان خلق را در انجام

وظایف انقلابی خود

یاری دهید!

اخباری از میهنمان

ابراز تنفر از جنگ

خبرهای رسیده حاکی از ادامه ابراز تنفر از جنگ و نارضایتی از حکومت در شهرهای مرزی و شهرهایی است که در طول دو سال اخیر مورد بمباران قرار گرفته اند.

در شهر باختران، پس از آخرین بمباران، مردم منطقه ای که مورد حمله قرار گرفت، با شعارهایشان خشم خود نسبت به رهبران جمهوری اسلامی را ابراز کردند. پاسداران حکومت - حتی جرات نمودند بین مردم حاضر شوند. مردم دوربین خبرنگاران تلویزیون را خرد کردند. در سخنرانی یکی از نمایندگان رژیم که متعاقب بمباران انجام شد، تعداد بسیار اندکی جمع شده بودند.

در شهر دزفول گروههایی از مردم برای دور شدن از خطر راهی خارج شهر شدند. آنها با ضربدایره "شعرهایی در باره آباد کردن کشور توسط حکومت (کنایه از خراب کردن آن) میخواندند.

سندی

درباره خسارات عظیم جنگی

جنگ، که به زعم حکام جمهوری اسلامی منشأ "برکت" و "خیر" است علاوه بر به قربانی گرفتن صدها هزار تن از مردم دو کشور ایران و عراق، منابع عظیم مادی را که متعلق به خلق است، به نابودی میکشاند.

اخیرا سندی بدست ما رسیده که گوشههایی از خسارات عظیم جنگی را نشان میدهد. این سند، گزارشی است پیرامون کشتیهایی که در منطقه "بندر امام خمینی" مورد اصابت موشک قرار گرفته اند. بخشی از گزارش که به مقامات رژیم ارائه شده، به شرح زیر است:

خسارات: کشتیهایی که از زمان فعالیت مجدد بندر امام خمینی هنگام اعزام کاروانها مورد اصابت موشکهای بعثیون کافر قرار گرفته اند به ترتیب از سال ۱۳۵۹ لغایت آذر ۶۲ بشرح ذیل میباشد.

۱ - در سال ۱۳۵۹ خوشبختانه هیچگونه حادثه ای برای کاروانهای اعزامی بوقوع نپیوسته است.

۲ - در سال ۱۳۶۰ تعداد ۲ فروند کشتی بنامهای ایران رضوان (خالی) و ویشی ویشوا میترا (خالی) مورد اصابت موشک قرار گرفته که ایران رضوان غرق و کشتی ویشی ویشوا میترا بعد از حادثه به بوشهر یدک شده و هم اکنون در بوشهر به گل نشسته است.

۳ - در سال ۱۳۶۱ کشتیهای مسروحه زیر مورد اصابت موشک قرار گرفته اند. ۱ - ایران وحدت (خالی) ۲ - ایران استقلال (خالی) ۳ - ایران امامت (پر) ۴ - ایران جمهوری (پر) ۵ - ایران جنان (پر) ۶ - ایران حجت (پر) ۷ - گودلاک (پر) ۸ - مار ترانسپو رتر (پر) ۹ - ایوانجلوس (خالی) ۱۰ - اورینت هوریزان (پر) ۱۱ - جامی (پر) ۱۲ - لیبشن پراید (پر)

۴ - در ۹ ماهه سال ۶۲ کشتیهای مورد اصابت موشک قرار گرفته بشرح زیر میباشد: ۱ - ایران و انقلاب (پر) ۲ - ای پی جی پیتی (پر) ۳ - ایران آزاد (پر) ۴ - یایپتوس (پر) ۵ - اورا (پر) ۶ - هیون (پر) ۷ - برنر (پر) ۸ - آنتیگونی (پر) ۹ - رشادت (پر) ۱۰ - سکان ۱۱ - اصلیل (پر) ۱۲ - اورهوپ (پر) ۱۳ - شهادت (خالی) کشتیهای ایران و انقلاب و اصلیل

به بندر عباس، ای پی جی پیتی - اورا و برنر به بوشهر یدک شده و کشتیهای آنتیگونی و شهادت و رسالت غرق و خسارات وارده به بقیه قابل تعمیر بوده است. ۵ - کشتیهای متفرقه که تحت اجاره و مالکیت سازمان ای بی جی کشتیرانی جمهوری اسلامی بوده و مورد اصابت موشک قرار گرفته بر طبق اطلاع عبارتند از: ۱ - لویئیز وان ۲ - اسلیت بون ۳ - الیستر هانتر ۴ - سامپون بانرن ۵ - ساکس ۶ - معیرا ۷ - شیروان

شما کشتیهای ایران امامت مل ۱۲۶۶ متفرقه

و ایران اسلام حامل ۱۷۱ متفرقه در کاروان و رودی ۱۲/۱۰/۶۲ مورد اصابت قرار گرفته که کشتی ایران امامت به بوشهر هدایت شده و کشتی ایران اسلام وارد بندر امام گردیده است.

اعتصاب مجدد

در کارخانه دخانیات تهران

بدنبال اعتصابات قبلی در کارخانه دخانیات که خبر آن در شماره های پیشین "اکثريت" درج شد، در اسفند ماه نیز اعتصابی در این کارخانه بوقوع پیوست. خواستهای کارگران افزایش دستمزد، مسئله اخراج کارگران و برخی مسائل دیگر صنفی بوده است. طی این حرکت حدود ۵۰ تن از کارگران توسط مامورین انتظامی دستگیر شدند که از وضع آنها اطلاعی در دست نیست.

مقاومت کارگران

در قبال اخاذی برای جنگ

برخلاف ادعاهای بلندگوهای رژیم که میگویند مبالغه آمیزی شده از کارخانجات

و واحدهای تولیدی برای جنگ، کلاً هیچ "داوطلبانه" کارگران است، به اینگونه جمع آوری کلاً چیزی نمیتوان گفت جز اخاذی. به عنوان مثال، در کارخانه پارس الکتریک تهران همراه با عیدی و پاداش سالانه کارگران فرمهایی توزیع شده که مبلغ "اهدایی" عیدی و پاداش کارگران به جیبها توسط خود آنان مشخص گردد. (یقیناً با جمع آوری اطلاعات بدینگونه برای هر کارگر پرونده تشکیل میدهند.) کارگران نیز در مقابل این اخاذی مقاومت کرده و بالاخره میگویند تنها در قبال دریافت یک تلویزیون رنگی، حاضرند بخشی از عیدی و پاداش خود را به جیبها بدهند.

تشییع جنازه با تابوتهای خالی!

پس از عملیات نظامی اخیر در برخی شهرها (مانند شهرهای شمال، زنجان و...) مراسم تشییع جنازه با تابوتهای خالی هم انجام میگرفت. به خانواده های کشته شدگان فقط ساکهای فرزندانشان تحویل داده میشد. این امر موجب خشم و نفرت بیشتر از پیش مردم شده است.

"بهداشت" در زندانها

در کنار شکنجه و گرسنگی و وضع رعایت بهداشت نیز در زندانهای جمهوری اسلامی اسفناک است. طبق خبر رسیده در زندان قزل حصار تعداد زیادی از زندانیان به بیماری "گال" (نوعی بیماری پوستی توأم با خارش شدید) مبتلا گشته اند.

کمب های مالی رسیده

رفیق پ. از آخن آلمان فد رال ۳۰ مارک

AKSARIYAT

NO. 6

Friday, 11 May

Address

POSTFACH 23007
6500 MAINZ 23
W. GERMANY

P.O. BOX 101
LONDON N17 6YU
ENGLAND

P.O. BOX 66156
LOS ANGELES, CA 90066
USA

C.P. 3125
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY

P.O. BOX NO 3018
NEW DELHI - 110003
INDIA

آدرس

آلمان فدرال

انگلستان

ایالات متحده

ایتالیا

هندوستان

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا